بسم الله الرحمن الرحیم

مسجدنمای 96- هفته 5 دی 94

## قرآن- اولین مشکل بیماردلان

**دو جمله اول حرف پیامبران را در قرآن مرور کن.** بعد از دعوت به توحید، یک چیز دیگر می‌گفتند که معمولاً با این دومی خیلی مخالفت می‌شد. البته برای توحید هم بهانه‌تراشی می‌کردند، ولی دومی برایشان خیلی غیرقابل‌تحمل‌تر بود:

**فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطيعُونِ**

از خدا پروا کنید و مرا اطاعت نمایید.

**این کلام آخراست که - اگرچه بیش از 10 بار در قرآن تکرار شده- کفر بیماردلان را در می‌آورد. پذیرش یک انسان!** انسانی که نه پول دارد نه تاج و تخت و فقط برگزیده خداست!

نه، هرگز این را نمی‌پذیرفتند...

\*\*\*

راستی شنیده‌ای که «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ»[[1]](#footnote-1)؟ یعنی علما وارثان پیامبرانند. پس بعید نیست که با علماء هم مخالفت بشود. کافی است دشمنی‌های این روزها با شورای نگهبان را با دقت ببینی!

## روایت- محبت فطری امیرالمؤمنین

شیعه و سنی در خیلی چیزها مشترک‌اند که یکی از مهم‌ترین‌هایش محبت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام است. این در حالی است که در طول تاریخ بر عکسش دیده می‌شود یعنی **بیشتر سال‌های تاریخ، نه تنها نمی‌توانستند محبت خود را ابراز کنند بلکه مجبور می‌شدند شاهد لعن بر علی علیه‌السلام باشند.**

اما زهی خیال باطل! هر چه می‌خواهند و می‌خواستند لعن کردند، بدون این‌که بدانند حب علی ریشه در فطرت انسان‌ها دارد و خاموش شدنی نیست:

**أَلَا إِنَّكُمْ سَتُعْرَضُونَ عَلَى سَبِّي، فَإِنْ خِفْتُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ فَسُبُّونِي، أَلَا وَ إِنَّكُمْ سَتُعْرَضُونَ عَلَى الْبَرَاءَةِ مِنِّي، فَلَاتَفْعَلُوا فَإِنِّي‏ عَلَى‏ الْفِطْرَةِ.[[2]](#footnote-2)**

آگاه باشید که شما را به دشنام دادن به من وامی‌دارند. [در صورت اجبار] به من دشنام بدهید؛ آگاه باشید که شما را به بیزاری جستن از من وامی‌دارند، اما شما تبری نجویید چرا که من بر فطرت پاک هستم (و هیچ قلب پاکی از من بیزاری نمی‌جوید)

دیگر سؤال و شبهه نداریم که نکند لعن‌ها و تمسخرها موجب نابودی علی و آل علی شود! **تا خدا هست و خدایی می‌کند، در وجود انسان‌ها فطرت را قرار می‌دهد و تا این فطرت‌های پاک هستند، عطر حب علی (علیه‌السلام) از آن‌ها استشمام می‌شود.**

## روزنوشت- شبهه‌ای به نام «دور»

**ظاهر قضیه یک چرخه باطل است:** رهبری اعضای شورای نگهبان را مشخص می‌کند و آن‌ها صلاحیت خبرگان را می‌سنجند و خبرگان، رهبر را انتخاب می‌کنند و دوباره رهبر، شورای نگهبان را و شورا، مجلس خبرگان را...

**به هزار و یک دلیل این چرخه، اصلا چرخه نیست و دور ندارد.** شاهدش این که آغاز قضیه معلوم است و آن این که امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) بدون دخالت شورای نگهبان و خبرگان روی کار آمد و همه چیز بعد آن بود. پس قضیه اصلا قضیه مرغ و تخم‌مرغ نیست. سایر دلایل باشد برای کتاب‌های علمی.

**حقیقتش را بخواهی، این‌ها همه بهانه است. کافی است به تفاوت نظام خدایی و غیر خدایی فکر کنی.** در نظام غیر خدایی، گروه‌ها و گروهک‌های به‌ظاهر مردمی حکومت می‌کنند و در نظام خدایی، خدا و جانشین خدا. حالا بگو برای شناسایی و نظارت بر جانشین خدا چه باید کرد؟ آیا راهی جز این هست که مردانی خدایی با معیار علم و تقوا مدریریت و نظارت را به عهده بگیرند؟

## کلام امام: اگر آل سعود یک جو غیرت داشتند...

**مسلمانان نمی‏دانند این درد را به کجا ببرند که آل سعود و «خادم‏الحرمین» به اسرائیل اطمینان می‏دهد که ما اسلحۀ خودمان را علیه شما به کار نمی‏بریم!** و برای اثبات حرف خود با ایران قطع رابطه می‏کنند. واقعاً چقدر باید رابطۀ سران کشورهای اسلامی با صهیونیست‌ها گرم و صمیمی شود تا در کنفرانس سران کشورهای اسلامی مبارزۀ صوری و ظاهری هم با اسرائیل از دستور کار آنان و جلسات آنان خارج شود. اگر این‌ها یک جو غیرت و حمیت اسلامی و عربی داشتند، حاضر به یک چنین معاملۀ کثیف سیاسی و خودفروشی و وطن فروشی نمی‏شدند.

بیانات امام خمینی در سالگرد کشتار خونین مکه، 29/4/67

## کلام رهبری: خداوند از خون بی‌گناه نمی‌گذرد

این عالمِ مظلوم (شیخ نمر) نه مردم را به حرکت مسلحانه تشویق می‌کرد و نه به صورت پنهانی اقدام به توطئه کرده بود، بلکه تنها کار او، انتقاد علنی و امر به معروف و نهی از منکرِ برخاسته از تعصب و غیرت دینی بود. خداوند متعال از خون بی‌گناه نمی‌گذرد و خون به ناحق ریخته، بسیارسریع دامان سیاستمداران و مجریان این رژیم را خواهد گرفت.

بیانات امام خامنه‌ای درباره شهادت شیخ نمر، 13/10/1394

## شهدا: آفتابه خالی

وقتي رسيدم دستشويي، ديدم آفتابه‌ها خالي‌اند. براي آب کردنشون بايد تا هور مي‌رفتم. خيلي راهش طولاني بود و زورم آمد تا آنجا بروم. يک بسيجي آن اطراف بود. بهش گفتم : «دستت درد نکنه، اين آفتابه رو آب مي‌کني؟» بي‌چون و چرا قبول کرد. رفت و آب آورد. ديدم آب آفتابه کثيفه. گفتم: «برادر جان! اگه صد متر بالاتر آب برمي‌داشتي ، تميزتر بود» دوباره آفتابه را برداشت و رفت و آب تميز آورد. بعدها اين بسيجي مخلص رو شناختم. مهدي زين الدين بود. فرمانده لشکر.

یادها و یادگارها: شهید مهدی زین‌الدین

## معرفی کتاب: نیمه پنهان 50: دربار شیطان، پیدا و پنهان شکل گیری وهابیت

نویسنده: دفتر پژوهش‌های موسسه کیهان

انتشارات: کیهان

قیمت: 14000 تومان

تعداد صفحات: 299

در این کتاب خواننده علاوه بر آشنایی با تفکرات حاکم بر سرکردگان فرقه ضاله وهابیت به پاسخ این سؤال‌ها دست می‌یابد که چرا انگلستان، آل‌سعود را به قدرت رساند؟ و هدف جهانخواران از شکل‌گیری وهابیت چه بوده است؟ کتاب «دربار شیطان» به شهیدان اهل سنت، خاصه شهید مظلوم «ماموستا شیخ الاسلام» تقدیم شده است.

## ایام ویژه: اعدام انقلابی «حسنعلی منصور» توسط «بخارایی» عضو هیئت مؤتلفه اسلامی (1343 ش)

**ماجرای سومین گلوله**

حسنعلي منصور فرزند علي منصور در سال 1302 در تهران به دنيا آمد و پس از فارغ التحصيلي از دانشگاه، استخدام وزارت امور خارجه شد. وي طي سال‏هاي دهه 1320، مدارج ترقي را پيمود تا اين که پس از ورود به مجلس شوراي ملي و سنا در شهريور 1342 و تاسيس حزب ايران نوين، به مدت کمتر از يک سال نخست وزير شد.

تصويب کاپيتولاسيون، افزايش قيمت بنزين و تبعيد حضرت امام خميني (رحمه‌الله‌علیه) از روش‌های او در اداره کشور محسوب مي‏شد. در ساعت 10 صبح روز اول بهمن 1343 هنگامي که حسنعلي منصور با غرور تمام قصد پياده شدن از اتومبيل در جلوي در ورودي مجلس شوراي ملي را داشت، هدف گلوله شهيد محمد بخارايي از اعضاء شاخه اجرايي هيئت مؤتلفه اسلامي قرار گرفت و چند روز بعد به هلاکت رسيد. فتواي قتل منصور از جانب آيت‏اللَّه سيد محمد هادي ميلاني در مشهد صادر شده بود.

مي‏گويند وقتي در دادگاه از محمد بخارايي سؤال مي‏کنند که با دو گلوله اول منصور زنده نمي‏ماند ولي چرا سومين گلوله را به گلوي او شليک کردي؟ آن جوان رشيد در پاسخ گفت: **حنجره‏اي که از آن به روحانيت اهانت شده، بايد دريده شود**.

منبع: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

## حکایت خوبان: پرتقال حرم

دل دخترک پرتقال می‌خواست. مادرش گفت توی این فصل پرتقال از کجا پیدا کنیم؟ بعد از چند دقیقه دختر بچه با یک پرتقال وارد اتاق شد. هیچ کس نمی‌دانست این پرتقال را کی دست او داده است.

آقا (آیت الله بهجت) فرمود: این بچه توی حرم دلش پرتقال خواسته بود، حالا با قاعده به او پرتقال داده‌اند. منظور آقا این بود که توی حرم هرچیزی که واقعا دلت بخواهد، با قاعده می‌آورند بهت می‌دهند. «با قاعده» یکی از آن تکیه‌کلام‌های شیرین آقا بود. می‌گفت بچه‌ها را که حرم می‌برید حتما خوراکی دستشان بدهید که توی حرم بخورند.

منبع: پایگاه عرفه arafe.net به نقل از یکی از شاگردان آیت الله بهجت

## در مسیر بهشت: نعمت بیماری!

بیمار شده و دیگر خدا را بنده نیست. انگار نعوذ بالله، خدا به او ظلم کرده است! اما چه نعمتی بالاتر از بیماری؟! شاید اگر کمی صبر داشت، خدا همین بیماری را از او قبول می‌کرد.

آن‌قدر بیماری نعمت بزرگی است که امام زین‌العابدین (علیه السلام) بین این که شکر تندرستی را به جا آورد یا شکر بیماری را، مردد می‌ماند:

فَمَا أَدْرِى، يَا إِلَهِى، أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَ أَيُّ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ: وَقْتُ الصِّحَّةِ الَّتِى هَنَأْتَنِى فِيهَا طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ، وَ نَشَّطْتَنِى بِهَا لابْتِغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَ فَضْلِكَ؟ أَمْ وَقْتُ الْعِلَّةِ الَّتِى مَحَّصْتَنِى بِهَا، وَ النِّعَمِ الَّتِى أَتْحَفْتَنِى بِهَا، تَخْفِيفا لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَيَّ ظَهْرِى مِنَ الْخَطِيئَاتِ؟

و نمى‌دانم كدام يك از اين دو حال به شكرگزارى سزاوارتر است و كدام يك از اين دو هنگام به سپاس اولى‌تر؟ آيا هنگام تندرستى كه روزهاى پاكيزه خود را بر من گوارا ساخته بودى و مرا در طلب رضايت و فضل خود چالاك گردانيده‌ای... يا هنگام بيمارى كه مرا از آلودگى ها پاك كردى و تحفه‌ها فرستادى كه بار پشت مرا از گناهان سبك گردانى؟

(بخشی از دعای 15 صحیفه سجادیه)

## احکام: دیر اومدی زود می‌خوای بری؟

آن قدر دیر آمده که چند رکعت از جماعت را هم از دست داده. نماز هم که تمام می‌شود، سری فلنگ را می‌بندد و می‌رود. غافل از اینکه زود آمدن و دیر رفتن در این مورد چه ثواب‌ها که ندارد!

متن دقیق رساله:

مستحب است از همه زودتر به مسجد آيد و از همه ديرتر از مسجد بيرون رود. (توضیح المسائل امام، مسئله 912)

## درنگ- بند و بساط‌ها!

**زمانی که حیران می‌شویم و مقصد و مقصود یادمان می‌رود...** یادمان می‌رود که این تشکیلات، این کار فرهنگی و حتی این دور و بری‌ها و این‌همه بندوبساط‌ها برای این بود که برای همدیگر راه بشویم نه چاه... حتی ممکن است که روزی امام عصر(عج) به ما بگوید: «تو از مایی» ولی همین‌ها ما را زمین‌گیر کنند...

این قضیه بر سر زبیر هم اتفاق افتاد! «ما زال الزّبیر رجُلاً منّا أهلَ البیتِ حتّی نشأ ابنه المشئومُ عبدالله»زبیر از ما بود تا زمانی که پسرش عبدالله بزرگ نشده نبود!

**زبیرِ سیف الاسلام! زبیرِ مخالف جریان سقیفه! زبیری که در زمان انقلاب پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) برای خود برو و بیایی داشت! دیگر نمی‌توانست با ولی مسلمین علی (علیه‌السلام) کنار بیاید!** یادش رفته بود مقصد و مقصود را... با اینکه پیامبر همین اتفاق را چندین سال قبل به او تذکر داده بود ولی... «منا اهل‌البیت» هم که باشی، کارهایت است که تو را معرفی می‌کند که همیشه «ملاک حال فعلی افراد است»...

خود را مخاطب آیات قرآن ببینیم:

الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا(کهف آیۀ 46)

آیه می‌فرماید حتی اگر خواستید به چیزی دلخوش باشید به همان کارهای صالح و تقوایتان امید داشته باشید نه به این بندوبساط‌ها!

## سوالات

1. (قرآن) با کدام حرف پیامبران بیشتر مخالفت می‌شود؟
   * پذیرش خدا
   * ایمان به معاد
   * اطاعت از پیامبر
2. (روایت) در مقابل لعن کردن و امیرالمومنین و بیزاری جستن از ایشان:
   * هم لعن جایز است و هم بیزاری جستن.
   * مومن بیزاری نمی‌جوید چون محبت امیرالمومنین فطری است.
   * مسلمان هیچ وقت لعن نمی‌کند ولی بیزاری می‌جوید چون بیزاری امری قلبی است.
3. (رونوشت) آیا این دور نیست که رهبری شورای نگهبان را مشخص می‌کند و آن‌ها صلاحیت خبرگان را می‌سنجند و خبرگان، رهبر را انتخاب می‌کنند؟
   * دور است، ولی راه دیگری وجود ندارد و مجبوریم.
   * خیر، اصلا دور نیست. بلکه در نظام الهی بهترین راه است.
   * دور است، برای همین قرار است قانون اساسی عوض شود.
4. (احکام) کدام یک در مورد مسجد مستحب است؟

* دیر بیاید و دیر برود
* زود بیاید و زود برود
* زود بیاید و دیر برود

1. الكافي (ط - الإسلامية)، ج‏1، ص: 32 [↑](#footnote-ref-1)
2. الأمالي (للطوسي)، النص، ص: 365 [↑](#footnote-ref-2)